

نوبت آخر و برادر زیر سبک پنهان کردند چون رسول راضی الله
علیه و سلم ازان خبر دادند فرمود که زمین بدتر از ویرا فروی برد
این از برای آن بود که شرف کلمه شهادت را بداند **و از آن جمله**
آنست که رسول صلی الله علیه و سلم وقتی که خطبه می خواند
نگه بر چوب نخلی می کرد که در مسجد افراشته بودند چون در سال
هشتم از حجت و بر و ابی در سال هفتم از برای رسول صلی الله
علیه و سلم منبر ساختند و روز جمعه بر آن خطبه خواند آن چوب
نخل در ناله آمد و چون اطفال می نالید رسول صلی الله علیه و سلم
فرمود که ناله ازان حجتی کند که خطبه نبروی می خوانم پس از
منبر فرود آمد و دست مبارک بروی می نالید تا ساکن شد و باز
بر منبر رفت و چون مسجد را از حال خود بگردانید نالی بن کعب
آن چوب را بخی کرد خود برد و در خانه می بود تا آنرا خوره خورد
و فروریخت **و از آن جمله آنست** که چون رسول صلی الله علیه و سلم
در سال هشتم سرتیبه سه هزار مرد بموت کرد می است از بقیه اشام
می فرستاد زمین حارث را رضی الله عنه برایشان امیر ساخت و
فرمود که اگر وی شهید شود جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه امیر
باشد و اگر وی شهید شود عبد الله بن رواحه و اگر وی شهید
بمهر که مسلمانان اتفاق کنند امیر باشد چون لشکر اسلام با کفار
در موهته ملاقات کردند رسول صلی الله علیه و سلم در مینه بمنبر

شواهد مواته

برآمد

برآمد و کثرت رایت را زیادت کرد و شهید شد و بعد ازان جمع
و شهید شد و بعد ازان عبد الله بن رواحه گرفت و وی شهید
شد بعد ازان خالد بن الولید می آن که ویرا امیر سازند بر دست
وی فتح شد پس گفت اللهم انزل سیف من سیه کفایتت نصرو یعنی
خدا او ندا و شمشیر است از شمشیرهای تو پس تو نصرتی می دهی ویرا
و درین روز خالد را رضی الله عنه سیف الله نام نهادند و بعد
از ازان چون یعلی بن ائیه خبر موت رسول صلی الله علیه و سلم
آورد فرمود که ای یعلی من ترا خبر دهم یا تو را خبر دهی یعنی گفت
تو خبر ده یا رسول الله رسول صلی الله علیه و سلم از جمیع آن وقایع
چنانکه بود خبر داد یعنی گفت حتی آن خدای که ترا برستی بخانی
فرستاده است که از حدیث تو می حرفی فرو نکند اشتی پس رسول
صلی الله علیه و سلم گفت ان الله کما رضع لی الارض حتی رایت
مستقر کنم یعنی خدای تعالی زمین را برداشته بر نظر من داشت
تا بنگدگاه ایشان را مشاهده کردم **و از آن جمله آنست**
که چون نبی بکر با نداد تویش بر خراعه که در عام حدیبیه به رسول
صلی الله علیه و سلم در آمده بودند بشیخون آوردند و بسیاری از
ایشان را کشتند در صباح آن رسول صلی الله علیه و سلم با عایشه رضی
الله عنها فرمود که در خراعه ای حادث شد خدا پیشه گفت رضی الله
عنها که فریش در زیر شمشیر خانی شده اند چگونه بر تو نفس عمل قولم نمایند